

فسادهای سیاسی اشرف پهلوی

۲۴ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۵

اشرف پهلوی که در دوره سلطنت رضاخان پهلوی نقشی به جز شوهرداری برای او تعریف نشده بود، در دوره پهلوی دوم به نهایت قدرت ممکن رسید و به تعبیر بسیاری به مرکز ثقل و کانون قدرت و منشاء تأثیرگذاری بر تصمیمات شاه تبدیل شد.

اشرف پهلوی خواهر دوقلوی محمدرضاشاه پهلوی، یا به تعبیر روزنامه نگار فرانسوی پلنگ سیاه پهلوی، عصر پنجشنبه هفده دی ماه ۱۳۹۴ در سن ۹۶ سالگی و در سالروز تاریخی طرح غربی کشف حجاب مرد. او در حالی که در تمام دوران پهلوی دوم در اوج قدرت بود؛ با تأسیس نمایشگاههای مد بانوان، فراخواندن مانکن‌ها به ایران، راه‌اندازی قمارخانه‌ها و کازینوهای سلطنتی، احضار پزشکان برجسته اروپائی برای جراحی‌های پلاستیکی هدف نهایی خود را تکمیل طرح پدر برای کشف حجاب ایرانیان قرار داده بود.

اشرف پهلوی در مقطعی نایب رئیس کمیته ملی مبارزه با بی‌سوادی، رئیس سازمان زنان ایران و نایب رئیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بود و در اواخر دوره پهلوی به نمایندگی ایران در کمیته حقوق بشر سازمان ملل رسیده بود. اشرف ریاست کمیته مشورتی کنفرانس بین‌المللی زن در سال ۱۹۷۵ را برعهده داشت و برای سال‌ها فرستاده ویژه محمدرضاشاه محسوب می‌شد. علاوه بر همه این‌ها به واسطه قدرت فوق‌العاده و لابی‌های پشت پرده به نامزدی دبیرکل سازمان ملل نیز دست یافته بود.

اقدامات سیاسی اشرف پهلوی و موضوع‌گیری و پست‌های سیاسی او همگی نشان از این واقعیت داشت که مدیریت امور زنان و تکمیل طرح استعماری کشف حجاب رضاخان یکی از دغدغه‌های اصلی او بوده است. این در حالی است که او خود را از مدافعان اصلی حقوق زنان در ایران می‌دانست.

اشرف از اولین کسانی بود که با پروژه کشف حجاب رضا خان بدون حجاب ظاهر شده بود و این راه را تا آخرین لحظات عمر خود نیز حفظ کرده بود. در این راستا نشریات فراوانی برای تبلیغ فرهنگ زنان غربی تحت حمایت او منتشر شد که مهمترین آن مجله عالم زنان بود. اما وقوع انقلاب اسلامی و مشاهده انبوه حضور زنان چادر پوش صحنه‌ای بود که به تعبیر خود او، تمام امیدهایش را نقش بر آب کرد.

همه اینها در حالی بود که در دوره سلطنت رضاخان پهلوی نقشی به جز شوهر داری برای او تعریف نشده بود. اشرف در این دوره اجازه تحصیلات دانشگاهی نداشت و زبان فرانسه را به واسطه مادام ارفع در خانه فراگرفته بود؛ اما سقوط رضا خان و تبعید او از ایران آغازی بر قدرت گیری اشرف بود.

با حذف رضاخان از عرصه سیاست ایران، اشرف پهلوی وارد میدان سیاست شد، سمت های بسیاری بالایی را در دست گرفت، سفرهای بسیاری انجام داد و قدرت مخفی بسیاری برای خود دست و پا کرد. او در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۶ به ریاست سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که پایگاهی برای جمع آوری پول و ثروت بود منصوب شد و تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تشکیل جلسات متعدد به مشاور محمد رضا شاه تبدیل شده بود. در این دوره شاه تحت نفوذ اشرف قرار داشت و افراد سرشناسی همچون علی سهیلی، عبدالحسین هژیر و سپهبد علی رزم آرا از دستیاران و تابعان محض اشرف بودند.

انتصاب عبدالحسین هژیر به نخست وزیری که از دوستان صمیمی اشرف محسوب می شد؛ با حمایت و پشتیبانی وی صورت گرفت. در مقابل، هژیر به اشرف کمک کرد تا سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را تأسیس کند، سازمانی که عامل نفوذ اشرف در تمامی شئون کشور شد.

قدرت گیری اشرف در عرصه سیاسی ایران به صورتی بود که در طول بیش از ۱۰ سال، اشرف مرکز ثقل و کانون قدرت و منشأ تأثیر گذاری بر تصمیمات شاه بود و همه مقام های مهم سیاسی حتی وزیران و سفیران با نظر او تعیین و تأیید می شدند. وی شدیداً تشنه قدرت بود و برای به دست آوردن آن از هیچ عملی روی گردان نبود.

در جریان کسب قدرت هرچه بیشتر، تلاش کرد با برپایی مجالس شبانه که شامل اعمالی همچون میگساری و ورق بازی می شد، شب نشینی های خود را به مکانی برای تبادل اخبار و اطلاعات سیاسی تبدیل کند و مهم ترین مسائل روز در آن محافل حل و فصل می شد.

اشرف به تدریج در تمامی توطئه های سیاسی و رویدادهای دربار نقش مؤثری به عهده گرفت و با ترتیب دادن دسته و باندی که شامل برخی از وزرای دولت و وکلای مجلس می شد، در مسائل سیاسی کشور دخالت می کرد. [۱] اوضاع سیاسی کشور در دوران رژیم پهلوی دوم به گونه ای بود که هر کسی می خواست به جایی برسد و یا خواهان پست و مقامی بود، بایستی مورد تأیید اشرف قرار می گرفت. اشرف خود در مورد انتخاب نمایندگان مجلس ملی اظهار داشته است:

«کسی که نامزد نمایندگی مجلس می شد برای انتخاب شدن حتماً باید از ثروت یا روابطی با پشتوانه ی قوی برخوردار می بود. در شهرهای بزرگ این امکان وجود داشت که فردی به اتکای تحصیلات، شخصیت یا افکار سیاسی اش به نمایندگی انتخاب شود؛ اما در ولایات که توده های مردم روحاً و جسماً از اتفاقات تهران دور و برکنار بودند؛ رأی ها اغلب با پول یا با اعمال نفوذ خریده

می شدند.» [۲]

هژیر [۳] که از دوستان صمیمی اشرف به حساب می‌آمد، در سال ۱۳۲۷ از سوی شاه به نخست‌وزیری منصوب شد. او دوست خوبی برای اشرف بود و اشرف در انتصاب او نقش مؤثری داشت. بسیاری از وزرای کابینه‌ی هژیر از دوستان اشرف بودند و به سفارش او به این مقام رسیده بودند. هژیر در قبال حمایت‌ها و پشتیبانی‌های اشرف، به او کمک کرد تا سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را تأسیس کند و بعدها با کسب مجوز بلیط بخت‌آزمایی ملی، بزرگ‌ترین عامل ثروت اشرف را برای او فراهم آورد.

اشرف همچون مادرش تاج‌الملوک در صحنه‌ی سیاسی کشور فعالیت داشت. با روی کار آمدن مصدق، دخالت اشرف در امور کشور افزایش یافت، وی در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورا تعدادی از وکلای مورد تأیید خود را وارد مجلس کرد. این عده در مجلس اقلیتی را تشکیل دادند که به کارشکنی در برابر اقدامات دکتر مصدق می‌پرداختند. یاران اشرف با همراهی سایر مخالفان دولت در مجلس اغتشاش می‌کردند و علاوه بر هتاک، وزراء را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.

تلاش‌های اشرف و هم‌دستانش یکی از عوامل مهم کودتای سال ۱۳۳۲ [۴] برضد مصدق بود که پس از آن دوباره قدرت به شاه رسید و خانواده‌ی وی نیز به نفوذ و دخالت هرچه بیشتر در ارکان رژیم ادامه دادند.

نفوذ قدرت اشرف در کشور موجب شده بود که نزدیکان وی نیز بتوانند، با استفاده از این موقعیت بر مراکز اقتصادی و فرهنگی کشور پنجه افکنند و علاوه بر تخریب آنها برای به دست آوردن سود بیشتر تلاش کنند. از جمله‌ی این افراد، همسر سوم اشرف، مهدی بوشهری [۵] بود که بیست سال از همسرش کوچک‌تر بود. وی در مدت کوتاه زناشویی توانست با استفاده از جایگاه سیاسی اشرف به منافع مالی بی‌حد و حصری دست یابد.

در یکی از اسناد ساواک که در سال ۱۳۳۹ تهیه شده، آمده است:

«والاحضرت اشرف پهلوی قصد دارد با آقای احمد مهبد، مشاور عالی دربار شاهنشاهی ازدواج کند و پس از ازدواج پست وزارت دربار شاهنشاهی به مشارالیه واگذار شود.» [۶]

گاهی در بین رقبای زن دربار، جنگ قدرت به وجود می‌آمد. در یک مورد، جنگ قدرت بین اشرف و فرح زمانی درگرفت که آن دو بر سر تعیین وزیر علوم و آموزش عالی مدت‌ها در کشمکش بودند. مجید رهنما [۷] که در کابینه‌ی هویدا به سفارش اشرف و نزدیکی‌اش به نخست‌وزیر به پست وزارت علوم منصوب شده بود، با دخالت فرح و به منظور ضربه زدن به اشرف از کابینه کنار گذاشته شد. [۸]

سازمان «سیا» در بخشی از گزارش خود راجع به شخصیت اشرف می‌نویسد:

...اشرف خواهر دوقلوی شاه یکی از جاه‌طلب‌ترین و مهم‌ترین حامیان شاه و مهم‌ترین یاران او در طول سالهای مدید سلطنتش بوده است...

این خصوصیات، به خصوص در دوره‌ای ضعف شاه، نمایان می‌شود. به همین علت سفارت آمریکا در سال ۱۹۵۱ گفته بود:

... اشرف عزم راسخ و بیرحمانه پدرش را دارد...

سیا در گزارش دیگری در رابطه با رانت‌خواری اشرف پهلوی می‌نویسد:

«اشرف با اعمالی که اگر کاملاً غیرقانونی نباشد، اغلب در مرز اعمال خلاف قانون است، در معاملات شرکت می‌کند، کارهایی که اگر دیگران انجام دهند لااقل ده سال زندان دارد، ولی وقتی موضوع را به شاه گزارش می‌دهند، شاه فقط به بالا انداختن شانه اکتفا می‌کند.» [۹]

اشرف پهلوی در دهه ۱۳۲۰، به نوعی زمامدار پشت صحنه و حافظ شیرازه حکومت محمدرضا پهلوی بود. او در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی امور اجتماعی جامعه ایران دخالت داشت. تأسیس نمایشگاههای مد بانوان، فراخواندن مانکنها به ایران، راه‌اندازی قمارخانه‌ها و کازینوهای سلطنتی بابلسر و رامسر، احضار پزشکان برجسته اروپائی برای جراحیهای پلاستیکی به روی چهره خانمهای مورد نظر دربار از جمله اقدامات اشرف در سالهای دهه ۱۳۲۰ بود. در این مدت اشرف به روزنامه‌نگاران، شاعران و روشنفکران نزدیک شد و با آنان جلسات و مجالس مشترک هفتگی ترتیب داد.

اما در دوران قدرت گرفتن مصدق، تبعید اشرف به اروپا به دستور مصدق و قطع ارز مورد نیاز وی، لطمه بزرگی برای او بود. اشرف برای اولین بار مجبور شد تا برای تأمین مخارج روزمره مایملک خود را بفروشد. او تنها از محل فروش لباس‌ها و عتیقه‌جات همراه خود ۳۰ میلیون فرانک به دست آورد.

اشرف اواخر ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و فعالیت‌های قبلی‌اش را از سر گرفت. گردآوری ثروت از راه‌های نامشروع، پورسانت‌گیری، زد و بند با شرکت‌های خارجی و سوء استفاده‌های گسترده مالی، تشکیل محافل شبانه و روابط گسترده نامشروع از اقدامات عادی اشرف پس از بازگشت به تهران بود.

در دو دهه آخر عمر سیاسی حکومت پهلوی، اشرف یکی از مهمترین وزنه‌های اقتدار آمریکا در ایران شد. او که در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خود با شبکه مأمورین «سیا» در ایران همکاری کرد، توانست به تدریج روابط خود را با «سیا» و رجال و

سیاستمداران آمریکائی تقویت کند. سفرهای متعدد اشرف به آمریکا در طول دهه چهل سبب تحکیم روابط تهران واشنگتن شد.

پی نوشت:

کسری، نیلوفر، زنان ذی نفوذ در خاندان پهلوی، نشر نامک، تهران ۱۳۷۹ صص ۱۳۴-۱۳۶

اشرف پهلوی، چهره‌هایی در یک آئینه، ترجمه‌ی هرمز عبدالهی، چ اول، فروزان، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵

عبدالحسین هژیر فرزند محمد هژیر پیشخدمت دربار ناصرالدین شاه بود که در سال ۱۲۸۰ ش در تهران متولد شد. در طفولیت چشم چپش از کار افتاد و به همین علت از آن چشم نابینا شد و بعدها از عینک سیاه استفاده می‌کرد. او پس از اخذ دیپلم و یک سال پس از آنکه به استخدام وزارت امور خارجه در آمد، به علت تسلط بر زبان‌های روسی و فرانسوی به استخدام سفارت شوروی در آمد و مدت هشت سال در آن سفارت به کار مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۰۷ از آنجا اخراج شد. در سال ۱۳۲۰ در سومین کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی به عنوان وزیر پیشه و هنر و بازرگانی وارد هیئت دولت شد و در سال ۱۳۲۷ به مقام نخست‌وزیری رسید، اما پس از شش ماه از این سمت استعفا داد. در تیر ۱۳۲۸ به وزارت دربار منصوب شد و چهار ماه بعد به دست فدائیان اسلام (سید حسین امامی اصفهانی) ترور شد.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که طی آن دولت دکتر مصدق سقوط کرد.

مهدی بوشهری فرزند حسین در سال ۱۳۱۶ ش در شیراز متولد شد و تحصیلات عالی را تا درجه‌ی دکترا ادامه داد. وی سومین همسر رسمی اشرف پهلوی بود و به سبب فامیلی و نزدیکی با شاه، از مهره‌های قابل اعتماد و وفادار محسوب می‌شد. بوشهری در امور مالی و عقد قراردادهای داخلی و خارجی برای بنیاد پهلوی و سایر سازمان‌های وابسته به دربار که بیشتر آنها را اشرف رهبری می‌کرد، دخالت داشت. از جمله مشاغل مهدی بوشهری سفیر کبیر سیار شاه در کشورهای اروپایی، دبیرکل سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی و دبیرکل جشن‌های هنر شیراز و... اشاره کرد. ۳۹۳

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره‌ی ۴۰۶۰۵۶

مجید رهنما فرزند زین‌العابدین در سال ۱۳۰۳ ش در تهران به دنیا آمد. وی از مدرسه‌ی فرانسوی حقوق در بیروت گواهینامه گرفت و در دانشگاه آمریکایی بیروت دوره‌ی فلسفه و ریاضیات را سپری کرد. پس از آن از دانشگاه پاریس در رشته‌ی حقوق مدرک دکترا گرفت. رهنما از سال ۱۳۲۱ سمت‌هایی همچون: وزارت دارایی، دبیر اول نمایندگی سازمان ملل متحد، معاون وزارت خارجه، سفیر ایران در فرانسه، سفیر ایران در سوئیس و وزارت علوم و آموزش عالی را بر عهده داشت.

احمدعلی مسعود انصاری، پس از سقوط، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران ۱۳۷۱، صص ۹۰-۹۱

ویلیام شوکراس، پیشین، ص ۲۴۰

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

